

بررسی عوامل مؤثر در تغییر سبک خط نستعلیق در خوشنویسی عصر قاجار*

ماندانا یمینی^۱، سیدماهیاری شریعت پناهی^۲

۱- دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

۲- استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، (نویسنده مسئول)

چکیده

در اوایل دوره قاجار، با بازگشت هنرمندان به سنت‌های گذشته خوشنویسی، به‌ویژه شیوه و سبک میرعماد، خط نستعلیق احیا شد و کیفیت خط نسبت به دوره صفوی ارتقا یافت. فتحعلی شاه قاجار که خود و فرزندانش خوشنویس بودند، خط نستعلیق را به‌عنوان خط ملی ایران اعلام نمود. حمایت و علاقه‌مندی وی به خوشنویسی در احیای آن تأثیر بسزایی داشت، پس از وی محمدشاه و ناصرالدین‌شاه نیز به سنت حمایت از خوشنویسی ادامه دادند. می‌توان گفت خط نستعلیق که در دوره صفوی به تکامل رسیده بود، در دوره قاجار به تنوع رسید. هنرمندان با گذر از دوره بازگشت به سنت‌ها و احیای خط نستعلیق، به سبک و شیوه خاص خود دست‌یافتند و در ترکیب‌بندی و قالب‌ها و ساختار خط، سبک و شیوه نو و خلاقانه‌ای در خط نستعلیق ابداع نمودند و آن را به اوج رساندند. در این پژوهش که به روش تاریخی و به شیوه توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و تصاویر مربوط به نسخه‌های خطی موجود در موزه ملی ملک انجام شده، سعی بر این بوده است که ضمن معرفی شیوه‌های متداول خط در دوره قاجار، عوامل تأثیرگذار در تغییر سبک خط موردبررسی قرار گیرد. نتایج تحقیق روشن می‌کند که حمایت و توجه خاص دربار به خط نستعلیق، ورود چاپ سنگی به ایران و لزوم تناسب خط با شرایط چاپ، کم شدن سفارش کتابت متون و متعاقب آن روی آوردن خوشنویسان به قالب‌های جدید برای اجرای قطعات، از عوامل مهم تغییر سبک و به اوج رسیدن خط نستعلیق در دوره قاجار است.

واژه‌های کلیدی: سبک، خوشنویسی، نستعلیق، قاجار.

1. Email: Mandana.yamini@yahoo.com

2. Email: Mahyar.shariatpanahi@gmail.com

مقدمه

خط نستعلیق به قول رایج، از ترکیب اقلام نسخ و تعلیق در اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم هـ ق توسط ایرانیان ابداع شد و برخی آن را به گرایش‌های ملی‌گرایانه فرقه‌های تصوف نسبت می‌دهند (هاشمی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۵۱). این خط در دوره صفوی رواج یافت و در کتابت آثار منظوم و قطعه‌نویسی به کار می‌رفت. در سده دهم هجری قمری، سرآمد خوشنویسان در دوره شاه‌طهماسب، میرعلی هروی بود. او که در کنار هم‌نشاندن نستعلیق خفی و جلی استاد بود، هیچ‌گاه به دربار صفوی نپیوست، اما نستعلیق شرقی به دربار راه یافت. در دوره شاه‌عباس صفوی برجسته‌ترین خطاطان ایران به ظهور رسیدند. میرعماد و علیرضا عباسی از جمله زنده‌ترین خوشنویسان این دوره بودند. قطعات زیبایی از این هنرمندان به‌جامانده که در ترکیب حروف بسیار استوار و بدیع است (کاووسی، ۱۳۹۳: ۲۳).

دوران طلایی هنر ایران با فروپاشی حکومت صفوی به پایان رسید. اقوام و حکومت‌ها بیشتر از قبل درگیر جنگ‌های داخلی و خارجی شدند. در این دوران پراشوب که ثبات و امنیت در کشور برقرار نبود، فعالیت‌های هنری در ایران کمرنگ شد. می‌توان گفت فقط در دوره کوتاه حکومت کریم‌خان زند، تعدادی از هنرمندان تحت حمایت دربار قرار گرفتند. پس از به قدرت رسیدن قاجار و تثبیت حکومت در دوره فتحعلی‌شاه، به دلیل علاقه‌مندی وی به هنر خوشنویسی، هنرمندان زنده فراخوانده شدند و به انجام سفارشات دربار پرداختند. در این دوره خط نستعلیق بیشتر از سایر اقلام خط مورد توجه قرار گرفت و هنرمندان به تقلید از شیوه میرعماد پرداختند. حمایت از هنرمندان در دوره‌های بعد به‌ویژه در دوره ناصرالدین‌شاه ادامه یافت و خوشنویسان به سبک و شیوه خاص خود دست‌یافتند. از عوامل مهم تأثیرگذار در شیوه خط نستعلیق دوره قاجار، ورود چاپ سنگی به ایران در این دوره است.

پیشینه پژوهش

در زمینه خوشنویسی دوره قاجار، علیرضا هاشمی‌نژاد کتابی با عنوان *سبک‌شناسی خوشنویسی قاجار (۱۳۹۳)* نوشته و در آن به شرح کلیات و تاریخچه سبک‌های خوشنویسی در دوره

قاجار پرداخته‌است. این کتاب تنها به خط نستعلیق اختصاص داده نشده و تمام اقلام سته را در این دوره مورد بررسی قرار داده است. امیر فرید و محسن رضوی فرد، مقالاتی در نقد این کتاب نوشته‌اند که در شماره ۷ نشریه نقد کتاب هنر، به چاپ رسیده‌است. در این مقاله ضمن تأیید ساختار نوشتاری کتاب، درباره محاسن دیگر آن، از جمله تشخیص درست نویسنده از نیاز جامعه هنری، تجزیه و تحلیل برخی خطوط و بررسی زیباشناختی خط، مطالبی ذکر شده‌است. گرچه رمزگشایی اصطلاحات به‌کاررفته در متن و مبحث کتیبه‌نگاری نستعلیق، از جمله مباحثی است که مؤلف در حد کفایت به آن پرداخته است. هم‌چنین حسن هاشمی‌دهکردی کتابی با عنوان *چاپ سنگی حیات تازه‌ای در کتابت نوشته است*. بهروز شریفی زیندشتی در مقاله‌ای با عنوان «نظری اجمالی بر مکاتب رایج در خوشنویسی نستعلیق»، تمایز این خط را در دوره‌های مختلف بررسی نموده‌است. زیندشتی در این مقاله ضمن ارائه مختصری از تاریخچه ۶۰۰ ساله خط نستعلیق، به معرفی دو شیوه رایج معاصر این خط پرداخته و از آن با عنوان مکتب میرعماد و مکتب کلهر نام برده‌است. وی در مقایسه این دو شیوه، بیشتر به تفاوت در مفردات خوشنویسی اشاره نموده و درباره ترکیب‌بندی خط نستعلیق و سایر قالب‌ها از جمله سیاه‌مشق مطالبی ارائه نکرده‌است. هم‌چنین پایان‌نامه‌ای تحت عنوان *جایگاه خط نستعلیق در عصر قاجار به راهنمایی دکتر زهرا ربانی و دکتر سید احمدرضا خضری و مشاوره میترا معنوی‌راد* توسط رضوان لطفی خزائی در سال ۱۳۹۲ در دانشگاه الزهرا دفاع شده‌است. در این پایان‌نامه عصر قاجار به‌عنوان یکی از دوره‌های مهم و مؤثر در رونق و شکوفایی خط نستعلیق معرفی شده‌است و مهم‌ترین مسأله پژوهش، بررسی عوامل مؤثر بر رونق و رکود خط نستعلیق، تحولات، کاربردها و معرفی مکاتب رایج آن در عصر قاجار بوده‌است. شاهان قاجار که عمدتاً افراد هنردوستی بودند، به‌عنوان حامیان اصلی خوشنویسی، زمینه مناسبی برای رشد این هنر فراهم کردند علاوه بر این، چاپ سنگی نیز نقش مهمی در تحول خط نستعلیق در عصر قاجار داشت که این امر به بروز تغییراتی در شیوه نوشتن آن خط منجر شد. نکته مهم دیگر پیدایش مکتب کلهر در کنار مکتب مرسوم



تصویر ۱: قطعه خوشنویسی نستعلیق ممتاز قلم مشقی و کتابت، رقم میرعمادالحسنی، قرن ۱۰ و ۱۱ هجری قمری، (آرشیو در موزه ملی ملک).

این تنوع در چهار مرحله اتفاق افتاد:

- دوره فتحعلی‌شاه، دوره بازگشت بود و کمتر خلاقیتی اتفاق افتاد و بیشتر در احیای هنر خوشنویسی مؤثر بود اما کیفیت خط در کتابت نسخه‌های خطی به نسبت دوره صفوی ارتقا یافت.
- اتفاق دیگر حرکت‌های نو در قالب‌ها و ساختار خط بود؛ به‌ویژه در سیاه‌مشق، کتیبه و مهرنویسی، که این تحول را می‌توان در آثار میرزا غلامرضا اصفهانی، میرزا کاظم طهرانی، میرحسین ترک و میرزا عمو مشاهده نمود.
- تغییر در خط نستعلیق که بیشتر مرتبط با چاپ و کتابت بود
- شیوه نستعلیق عمادالکتاب که متأثر از میرزا کلهر بود و حلقه واسط دوره قاجار و پهلوی شد (هاشمی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۵۹).
- در دوره فتحعلی‌شاه مطابق خواسته وی بازگشت به شیوه قدما اتفاق افتاد و خط نستعلیق به‌عنوان خط ملی ایران مورد توجه ویژه قرار گرفت و احیا شد و در کتیبه بناها و در قالب سیاه‌مشق جایگاه ارزشمندی یافت. خوشنویسان در خط نستعلیق از میرعماد در خط شکسته از درویش عبدالمجید طالقانی و در نسخ از خط نسخ ایرانی شیوه نیریزی (تصویر ۲) پیروی کردند. در اواسط دوره قاجار در نستعلیق به‌ویژه سیاه‌مشق، میرحسین، غلامرضا اصفهانی و محمدکاظم به سبک خویش دست‌یافتند و میرحسین به

و شناخته‌شده میرعماد بود که شیوه‌ای تازه در نوشتن خط نستعلیق پیش روی خوشنویسان قرارداد. روش تحقیق در این مقاله تاریخی به شیوه توصیفی - تحلیلی با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اسناد و نسخ خطی است. در این روش ابتدا مهم‌ترین خوشنویسان در زمینه خط نستعلیق شناسایی شده، سپس مهم‌ترین آثار آن‌ها در کتب و نسخ خطی استخراج شده است. سپس با بررسی تطبیقی این آثار، سیر تحول این خط در این دوره ترسیم و در ادامه بر اساس منابع تاریخی دسته اول دوره قاجار عوامل مؤثر در این تحولات معرفی شده‌است.

یافته‌های پژوهش

شیوه و سبک‌های متداول خوشنویسی در دوره قاجار

با فروپاشی حکومت صفوی در سده دوازدهم هـ. ق، نستعلیق بی‌رونق شد و در خارج از مرزهای ایران به‌ویژه در هند مورد توجه قرار گرفت. شاهان گورکانی هند و سایر حاکمان با اشتیاق به جمع‌آوری آثار نستعلیق پرداختند. هنرمندان ایرانی با توجه به حمایت شاهان گورکانی از هنر ایرانی به‌صورت گروهی به هند مهاجرت کردند و آن‌جا پایگاهی برای خط نستعلیق شد. خط نستعلیق علاوه بر هند در عثمانی و مصر نیز مورد توجه قرار گرفت (کرمانی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۶۹).

در دوره قاجار همه اقلام خط به‌جز کوفی، محقق و ریحان رواج داشتند. حمایت فتحعلی‌شاه و فرزندان خوشنویس او عباس‌میرزا، محمدعلی‌میرزا، ام‌السلطنه و ضیاءالسلطنه و علاقه وی به احیای سنت میرعماد (تصویر ۱)، پیروی از شیوه نسخ نیریزی و ادامه شیوه عبدالمجید طالقانی در شکسته، باعث احیای خوشنویسی شد و در دوره‌های بعد در سبک اجرای نستعلیق تنوع ایجاد کرد. البته این تنوع در نسخ کمتر اتفاق افتاد. می‌توان گفت تحول خط نستعلیق در دوره صفوی در جهت تکامل و در دوره قاجار در راستای تنوع بوده‌است.

(هاشمی نژاد، ۱۳۹۳: ۶۰)؛ اما آن چه مسلم است علی‌رغم تنوع و پیشرفت خط در دوره قاجار و ارزش‌های زیبایی‌شناسی، آثار این دوره در ارائه فضا سازی مطمئن و ترکیب نهایی دچار تردید است و شکوه و عمق استقلال هنر در دوره صفوی را ندارد (هاشمی نژاد، ۱۳۹۳: ۱۳۹) به نظر می‌رسد میل به پویایی و تحول در ترکیب‌بندی، اسکلت‌بندی و حتی جزئیات خط در این امر تأثیر بسزایی داشته‌است، بیست سال پس از مرگ کله‌ر، خوشنویسی برای کتابت تعطیل شد و حروف‌چینی گارسه‌ای جای خطاطی برای چاپ سنگی را گرفت و خوشنویسی فقط برای قطعه‌نویسی و سفارش‌های محدود انجام می‌شد (آغداشلو، ۱۳۸۴: ۱۱۵).

از اتفاقات مهم هنری سده دوازدهم هجری در زمینه خوشنویسی به اوج رسیدن خط شکسته‌نستعلیق توسط درویش عبدالمجید طالقانی (تصویر ۳) بود. وی در ابتدا از خطوط میرزا حسن کرمانی و شفیع‌اشمشق می‌کرد اما بعد از مدتی خود صاحب سبک شد و چنان تحول و تکاملی به آن بخشید که هیچ هنرمندی در دوره‌های بعد نیز نتوانست به آن درجه دست پیدا کند. بعد از درویش عبدالمجید طالقانی شاگردان وی از جمله میرزا کوچک اصفهانی و محمدرضا اصفهانی و چندتن دیگر ادامه‌دهنده راه او بودند.



تصویر ۳: قطعه شکسته‌نستعلیق ممتاز قلم مشقی، رقم درویش عبدالمجید طالقانی، قرن ۱۲ هجری قمری. (آرشیو در موزه ملی ملک).

غلامرضا اصفهانی، ابوالفضل ساوجی و علی‌اکبر گلستانه در اواخر دوره قاجار جزو آخرین استادان این رشته بودند که از این

سیاه‌مشق بیشتر پرداخت. آثار زیادی از وی به‌جا مانده اما در ترکیب‌بندی، آثارش ستودنی است. میرزا غلامرضا اصفهانی ابتدا در نستعلیق پیرو شیوه میرعماد بود و در شکسته به سبک درویش عبدالمجید می‌نوشت. پس از خروج از سبک آنان در سیاه‌مشق ترکیب‌های خلاقانه‌ای ارائه نمود. محمدرضا کله‌ر با توجه به مرکب چاپ و امکانات چاپ سنگی در خط نستعلیق تغییراتی ایجاد نمود؛ او با کم‌کردن تیزی و تندوی ظریف میرعماد و جمع‌تر و چاق‌تر کردن حروف آن را متناسب برای چاپ نمود و شاگردانش این سبک را ادامه دادند. زین‌العابدین شریف قزوینی، مرتضی نجم‌آبادی، مرتضی برغانی که پدر دو خوشنویس معاصر حسن و حسین میرخانی بوده‌است. از کله‌ر سیاه‌مشق نیز به‌جامانده‌است (قلیچ‌خانی، ۱۳۹۲: ۱۲۸).

توجه به کتابت قرآن در دوره قاجار باعث رونق قلم‌نسخ شد، تبریزی (تصویر ۲) هنرمند دوره صفوی شیوه نسخ ایرانی را ابداع کرد و این شیوه با توجه خاص فتحعلی‌شاه در دوره قاجار استحکام یافت و قلم‌رایج برای قرآن‌نویسی شد.



تصویر ۲: قطعه نسخ ممتاز قلم کتابت، رقم میرزا احمد تبریزی، قرن ۱۲ هجری قمری، (آرشیو در موزه ملی ملک).

اقلام دیگر مثل محقق و ریحان در دوره قاجار به کار نمی‌رفت و قلم ثلث بیشتر در کتیبه‌بناها کاربرد داشت. البته کتیبه‌نویسی به خط نستعلیق نیز که از قرن نهم شروع شده بود در دوره قاجار رواج بیشتری یافت. قلم شکسته قبل از قاجار به تکامل رسیده بود و در امور دیوانی و نسخه‌های ادبی و قطعه‌نویسی به کار می‌رفت و سعی در تلطیف آن نیز برای خوانش سهل‌تر در دوره قاجار انجام شد که تداوم نیافت. رواج چاپ سنگی با تغییر سبک نستعلیق توسط کله‌ر ادامه یافت

است که در آثار هنرمندانی چون فتحعلی حجاب شیرازی و کاتب السلطان مشاهده می‌شود. اگر دانگ قلم تغییر یابد خط استحکام و تعادل بین ضعف و قوت خود را از دست می‌دهد. خلاقیت در ترکیب‌بندی را می‌توان در آثار سیاه‌مشق میرزا غلامرضا اصفهانی مشاهده نمود و نسبت‌های جدید در ترکیبات جزئی حروف و کلمات و قالب‌ها، افزایش قوت در قسمت‌های نازک‌تر کلمات، تغییر در ترکیب و قطور شدن اسکلت‌بندی خط از جمله نوآوری‌هایی است که در شیوه کله‌ر به‌کاررفته است (هاشمی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۱۰۸).

خوشنویسی دوره قاجار از نگاه سفرنامه‌نویسان

جملی کاری جهانگرد ایتالیایی که در دوره قاجار به ایران سفر کرده درباره خط ایرانی در سفرنامه خود ذکر نموده است: خط فارسی بسیار زیباست و شیوه‌های مختلفی دارد بعضی حروف نقطه‌دار است و برخی بدون نقطه، خوشنویسان مدعی‌اند یازده نوع به کار می‌برند. کاری از انواع خط چون کتیبه، رقع، قبالة، نستعلیق، نسخ و شکسته، غبار، تعلیق، ذات‌الرقاع، ثلث، ریحان هم‌چنین از خط‌هایی چون سه رنگ کالر، امتونی نام برده که به دلیل عدم آشنایی‌اش با اقلام سته است (کاری، ۱۳۴۸: ۱۴۷).

هانری رنه د. آلمانی سیاح فرانسوی در سفرنامه خود از سه نوع خط تحریر متداول در ایران نام برده‌است. تعلیق برای نوشتن فرمان‌ها و احکام رسمی، نستعلیق که در آن دوره رواج بیشتری دارد؛ شکسته برای مکاتبات اداری به کار می‌رود و در انواع خط عربی گفته شده‌است خط عربی ۴ نوع دارد، نسخ، ثلث، ریحان و خط کوفی که در کتیبه‌های ابنیه باستانی به‌کاررفته است. از نظر آلمانی گرچه اروپاییان خط خوش دارند اما کتب خوش خط ایرانی زیبایی ویژه‌ای دارند که بیگانگان نیز از تماشای هم‌آهنگی و خوش‌ترکیبی آن لذت می‌برند. از نظر وی قدرت دست نویسنده از پیچ‌وخم‌های به‌کاررفته پیداست. او کتاب‌های خطی را شاهکارهای بی‌ظنیری دانسته‌است که نمی‌توان ارزش بعضی از آن‌ها را تخمین زد. تفاوت خط در کتاب‌های اروپایی و ایرانی در این است که برعکس اروپاییان از راست به چپ می‌نویسند، در ابواب و فصول باهم فرقی ندارند، در کتب نثر ایرانی، مطالب پیوسته‌اند و از سر سطر

میان سید علی‌اکبر گلستانه به سبک و شیوه خویش دست‌یافت (قلیچ‌خانی، ۱۳۹۲: ۱۶۷). خط شکسته که در دوره قاجار دوباره احیا شده‌بود و در مکاتبات رایج بود، خوانش سختی داشت؛ به همین دلیل میرزا علی امین‌الدوله و قائم‌مقام فراهانی، امیرنظام گروسی و محمد شفیح، شیوه جدیدی از خط شکسته را ارائه نمودند که خوانش سهل‌تری داشت. این شیوه طرفدارانی پیدا کرد اما فراگیر نشد (هاشمی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۱۳۸). محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه این موضوع را با عنوان تلطیف خط تحریر در کتاب *المآثر و الآثار* این‌چنین ذکر نموده‌است:

«شیوه‌ای که در این دوران نگارشات اهالی ایران بر آن قرار گرفته طرازی است بسیار خوش و اسلوبی سخت دلکش. نوشتجات پیش‌ازین زیبایی و فریبندگی و ملاحظت و ظرافت بالمره عاقل است و ایجاد این تحریر به دست نحیر اعظم و دستور اجل اکرم شمس الوزراء جناب مستطاب میرزا علی خان امین‌الدوله دامت شوکته شده و امروز جمهور نگارندگان ایران عیال‌اند بر وی که تحریرات را جمله بر این سیاق می‌رانند و مشارالیه را رب‌النوع می‌دانند» (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۴: ۱۶۷). آثار به‌جامانده از دوره قاجار از سال ۱۱۹۳ تا ۱۳۴۴ هـ ق را می‌توان در چندگونه دسته‌بندی کرد:

- کتاب‌های پرکاری چون هزارویک‌شب در سال ۱۲۶۹ هـ ق توسط محمدحسین طهرانی، قرآن نستعلیق در سال ۱۲۶۸ هـ ق توسط اسدا... شیرازی، نسخه‌های فاخر به قلم محمدحسین شیرازی که چندین نسخه از وی در موزه گلستان محفوظ است و آخرین نسل از نسخه‌های خطی نفیس به شمار می‌آید. او لقب کاتب‌السلطان داشته و علاقه‌مند به کتابت بوده و قطعه نمی‌نوشته‌است.

- کتاب‌ها و روزنامه‌های چاپ سنگی به خط محمدعلی تبریزی، محمدرضا کله‌ر و محمد شریف قزوینی.

- قطعه‌نویسی شامل سیاه‌مشق، چلیپا، سطر، از خوشنویسان آن دوره از جمله میرحسین خوشنویس، اسدا... شیرازی، غلامرضا اصفهانی، محمد کاظم طهرانی (قلیچ‌خانی، ۱۳۹۲: ۱۲۶). می‌توان گفت در این دوره سه سبک متفاوت از قلم نستعلیق ارائه شده‌است که در چهار مرحله تنوع خط نیز به آن اشاره شد، منظور از سبک در این‌جا مختصات حروف و شاکله خط است. در دوره قاجار قالب‌های متفاوت و متأثر از دانگ قلم ارائه شده

بوده و حقوق دریافت می‌کنند اما شمار آنان رفته‌رفته کم شده و ماشین تحریر جایگزین می‌شود. کازاما خط نستعلیق و شکسته را مشابه کایشو یا گیوشو در ژاپن می‌داند (کازاما ۱۳۸۰:۱۹۴). پولاک نیز در سفرنامه خود به سه نوع خط رایج در ایران اشاره نموده‌است؛ خط نسخ قرآنی، نستعلیق با دوایر ظریف و خط شکسته که یک نوع تندنویسی است و در مکاتبات به کار می‌رود. به نظر او خوشنویسان دوره قاجار از دو استاد در گذشته به نام میر و درویش پیروی می‌کردند (پولاک، ۱۳۶۱:۱۹۴).

خط خوش در دوره قاجار و پیش از آن، از سجایای خوب افراد محسوب می‌شد. در بسیاری از نوشته‌های به‌جامانده از آن دوره در معرفی و محاسن افراد از خوش خط بودن وی تمجید شده‌است؛ به‌طور مثال در سفرنامه خانلرخان اعتصام‌الملک در تعریف از فردی گفته‌شده است امیرزاده باکمال و سواد و خط خوش و حسن خلق است (میرزا خانلرخان، ۱۳۵۱:۸۵). به‌طور معمول اکثر علما و فضلا و ادبا و شاعران خوشنویس نیز بوده‌اند و در میهمانی‌ها پدران بافتخار از خط فرزندان خود تعریف نموده و نمونه خط ایشان را به همگان نشان می‌دادند، به‌رحال خوش خطی افراد نشان از سواد و معرفت ایشان داشته‌است، پولاک در سفرنامه خود گفته است داشتن خط خوش نخستین و مهم‌ترین شاخص تربیت خوب است. هر حرف اندازه و ابعاد و قواعد خاص دارد و از نظر ایرانی‌ها برای نوشتن هر حرف یک سال تمرین لازم است تا در حد کمال نوشته شود. هرگاه کودکی در نوشتن موفق شود پدر خط را به میهمانان نشان می‌دهد. مردم محمدشاه را به دلیل خوشنویس بودن می‌ستایند. داشتن دوات و طومار کاغذ در پر کمر نشان احترام و منزلت است و به این افراد اهل قلم می‌گویند ایرانی‌ها از مرکب غلیظ و مایه‌دار استفاده می‌کنند و با مهره کشیدن سطح کاغذ را صیقلی می‌نمایند و اغلب از کاغذهای اروپایی استفاده می‌کنند. کاغذ چینی خانبالغ کمیاب است و برای نوشتن فرامین استفاده می‌شده‌است. هم‌چنین داشتن لوازم کار از جمله قلم‌تراش قلم و دوات یا مرکب‌دان و قلم و سایر ادوات خوشنویسی، داشتن نوع مرغوب هر یک برای ایرانیان اهمیتی خاص دارد و آن‌ها جعبه‌های لاک‌تزیین شده‌ای برای لوازم خود به همراه دارند (پولاک، ۱۳۶۱:۱۸۵).

شروع نمی‌شود، نوشته‌ها در صفحات کتاب به‌صورت ستونی تقسیم‌شده و گاه دوستونی یا سه‌ستونی است. ایرانی‌ها، گاهی صفحات را با کاغذهای الوان حاشیه می‌دادند. او در ادامه از خوشنویسان نامی ایران در دوره‌های مختلف تا دوره صفوی نام برده است (آلمانی، ۱۳۳۵:۴۸۱).

پولاک درباره‌ی علاقه‌مندی ایرانیان به نسخه‌های خطی گفته‌است: «ایرانیان متشخص کتب چاپی را دوست نمی‌دارند و در تلاش تملک نسخ خطی هستند و همان‌طور که یک نفر هنرشناس از دیدن تابلو، نقاش و سبک آن را تشخیص می‌دهد، آن‌ها نیز به‌محض دیدن خط به نام استادی که آن را نوشته است پی می‌برند. سابق بر این در هر شهر تعدادی خوشنویس به نسخه‌برداری از کتب اشتغال داشتند، اما ظاهراً دیگر پرداختن به این هنر صرف ندارد. نسخه‌ای که مرد خبره و کارشناس تشخیص دهد که اثر هنری ماندنی است باید بر کاغذ چینی نوشته‌شده باشد و از ابتدا تا انتهای آن، حروف، همه به یک اندازه و قاعده و طبق اصول ریاضی، مساوی یکدیگر باشند. صفحه عنوان و سرفصل‌ها را با خطوط ظریف اسلیمی از طلا، درزمینه‌آبی، به بهترین و دل‌پذیرترین نحوی تذهیب می‌کنند (پولاک، ۱۳۶۱:۱۹۴).

گاسپار دروویل نیز در سفرنامه خود از سه نوع خط فارسی نستعلیق، تعلیق و شکسته نام برده و خط نستعلیق را متداول‌تر دانسته‌است، درباره دو خط دیگر گفته است حروف در آن‌ها به‌صورت ناقص است و نقطه‌ها سر جای خود قرار ندارند بنابراین خط به‌راحتی خوانده نمی‌شود، او گفته است شاهزادگان هندی از خط شکسته ایرانی در مکاتبات خود استفاده می‌کنند (دروویل، ۱۳۷۰:۲۱۰). کازاما سیاح ژاپنی در سفرنامه خود درباره خوشنویسی ایران گفته‌است در ایران هم‌چون چین و ژاپن خط و خوشنویسی را به‌عنوان هنر می‌شناسند، خوشنویسی در ایران روی ظروف چینی و سفال و منسوجات و ساختمان‌ها نیز به کار می‌رود. او پیشینه خط‌نگاری روی ظروف سفال و بدل‌چینی را از دو هزار و پانصد سال پیش در دوره ساسانیان می‌داند که به‌عنوان هنری پیشرفته رواج داشته‌است. کتاب‌های خطی و مجموعه‌های خوشنویسی در ایران هم‌چون گنجینه‌ای نگهداری می‌شوند و امروزه تعداد زیادی از هنرمندان خوشنویس در خدمت دولت

تأثیر ورود چاپ سنگی در کتابت

در دوره قاجار فرهنگ و هنر غرب در کشور رواج پیدا کرد و تأثیر آن بر سایر هنرها مشهود بود، اما چون خوشنویسی مشابه خارجی نداشت، از این قاعده مستثنی بود و ادامه راه گذشته را پیمود. هرچند ورود چاپ که ارمغانی از غرب بود در خوشنویسی تأثیر گذاشت (قلیچ‌خانی، ۱۳۹۲: ۱۲۴) در دوره قاجار با گسترش صنعت چاپ اصلی‌ترین مصرف خوشنویسی یعنی کتابت و تکثیر آثار مکتوب رو به ضعف نهاد و خوشنویسی دو مسیر مجزا را تجربه کرد:

- ارائه خط به‌عنوان یک اثر هنری که در دوره‌های قبل نیز بود.
- دیگر کاربردهای نوین و نوظهور که بانفوذ غرب ایجاد شده بود و بیشتر در چاپ خودنمایی می‌کرد. اجرای خوشنویسی در قالب سیاه‌مشق که از دوره صفوی و سده یازده قمری از شکل تمرینی و ساده خارج شده بود، در دوره قاجار و سده سیزده قمری به اوج شکوفایی رسید. در آثار سیاه‌مشق هنرمند نه به دلیل انتقال مفاهیم بلکه برای ایجاد زیبایی بصری کار می‌کرد. از میرزا غلامرضا اصفهانی ترکیب‌های بی‌نظیر سیاه‌مشق در موزه‌ها و مجموعه‌های شخصی موجود است (کرمانی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۵). حامیان و سفارش‌دهندگان نسخه‌های خطی نفیس و کار کتابت کم شد و جامعه گام‌های اول را برای مدرن شدن برمی‌داشت. در اوایل دوره قاجار در دوره‌های فتحعلی شاه، محمدشاه، ناصرالدین‌شاه خوشنویسان طراز اول به خلق آثار بدیع و نفیس مشغول بودند (تصویر ۴) و در اواخر دوره قاجار با گسترش کاربرد چاپ، کار کتابت نیز از رونق افتاد. ابتدا چاپ به شیوه لیتوگرافی یا همان چاپ سنگی استفاده می‌شد و هنرمندانی چون میرزا محمدرضا کلهر با تغییر شیوه نستعلیق به طوری که برای چاپ مناسب باشد، به کتابت می‌پرداخت. در کتابت برای نسخه‌های چاپ سنگی مرکب سنتی که خوشنویسان به کار می‌بردند، استفاده نمی‌شد بلکه مرکب چاپ غلیظ چون موم بود از طرف تیزی و تندی خط به شیوه میرعماد به دلیل ظرافت در چاپ سنگی با حروف ناقص شکل می‌گرفت. از موارد دیگر که در چاپ محدودیت ایجاد می‌کرد این بود که قبل از خشک شدن مرکب باید یک صفحه به اتمام می‌رسید؛ بنابراین سرعت بیشتری در اجرای خوشنویسی لازم بود. با تعدد سفارش‌ها

افزایش سرعت ضروری‌تر شد؛ بنابراین برای رعایت و در نظر گرفتن محدودیت‌های چاپ میرزا محمدرضا کلهر شیوه‌ای از خط نستعلیق را ابداع کرد و سبک جدیدی در این خط ایجاد شد. در ادامه تجددگرایی ایرانیان که امیرکبیر صدراعظم ناصرالدین‌شاه در شروع آن تأثیر بسزایی داشت مدارس هنری چون دارالفنون، دارالصنایع، نقاشخانه دولتی و مدرسه صنایع مستظرفه تأسیس شد و شیوه استاد-شاگردی رفته‌رفته منسوخ شد و در این موقعیت آثار چاپی میرزا رضا کلهر و آداب‌المشق عمادالکتاب تن‌ها آثار قابل‌دسترس برای فراگیری خط نستعلیق بود (کرمانی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۸).



تصویر ۴: سیاه‌مشق نستعلیق، رقم میرزا محمدرضا کلهر، قرن ۱۳ هجری قمری، (فرزانه، ۱۳۹۱).

گرچه ظهور چاپ سنگی باعث کم‌رنگ شدن خوشنویسی و نگارگری در کتاب‌آرایی شد ولی از طرفی این سنت را تا حدی از نابودی کامل حفظ نمود، بدین‌گونه که هنرمندان در زمینه کتابت، تزیین و نگارگری به فعالیت خود ادامه دادند. کار هنرمندان به نفاست دوره‌های گذشته نبود (قلیچ‌خانی، ۱۳۹۳: ۱۱) کتابت در چاپ سنگی می‌توانست خطوط مختلف و ضخامت‌های متفاوت استفاده نماید و سنت کتاب‌آرایی قدیم را به نمایش گذارد از این‌رو کاتبان از چاپ سنگی استفاده نمودند، تا زمانی که چاپ سربی و افست جایگزین شد و کتابت و استنساخ را فتح کرد. با رواج بیشتر چاپ بیشترین وظیفه

این مصحف رقم محمد شفیع وصال شیرازی است. این مصحف به خط نسخ ممتاز در صفحات ۱۷ سطری بر کاغذ حنایی دولت‌آبادی تحریر شده و ترجمه نستعلیق آن در هامش نسخه در سال ۱۲۶۵ هـ ق توسط علی شریف متخلص به ظریف انجام شده است (صحراگرد، ۱۳۹۳: ۱۸۸).

- قرآن شماره ۱۵۲۵ محفوظ در گنجینه کتابخانه آستان قدس رضوی از نسخ قرن سیزده قمری به کتابت محمدعلی بن محمدقلی نوری که برای بدری جهان همسر فتحعلی شاه انجام شده است. متن آن به خط نسخ ممتاز بر روی پارچه کتابت شده و سر سوره‌ها به خط رقاع خوش و خواص سور در حاشیه به خط شکسته کتابت شده است (صحراگرد، ۱۳۹۳: ۱۷۶).

- محمدحسین شیرازی نیز از جمله کاتبان پرکار دوره قاجار به شمار می‌آید بیشتر آثار وی به صورت نسخه‌های خطی در موزه‌ها و مجموعه‌های معتبر جای دارد از جمله چند نمونه از آثار وی بدین شرح می‌باشد: نسخه‌ای از خلد برین به خط عالی به دستور میرزا آقاسی در ۴۹۵ صفحه ۱۵ سطری به ابعاد ۲۹×۱۹ س.م کتابت شده است و در کتابخانه گلستان به شماره ۵۷۹ محفوظ است. نسخه‌ای از دیوان ناصرالدین‌شاه قاجار به خط نستعلیق عالی با رقم و تاریخ ۱۲۷۲ ق، کتابت شده و در کتابخانه مجلس به شماره ۵۰۹۸ موجود است. نسخه‌ای از اخلاق ناصری به خط نستعلیق با رقم و تاریخ ۱۲۷۴ ق، در دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد موجود است (قلیچ‌خانی، ۱۳۹۴: ۲۰).

- از جمله کتاب‌های چاپ سنگی به خط میرزا محمدرضا کلهر می‌توان از مخزن الانشاء، قسمتی از دیوان فروغی بسطامی، قسمتی از ریخانه‌الادب، رساله غدیریه، فیض‌الدومع، نصایح‌الملوک، سفرنامه ناصرالدین‌شاه به خراسان اردوی همایون (تصویر ۵)، منتخب‌السلطان سعدی و حافظ نام برد. نسخه‌های سمعی برخی از این کتب با رقم کلهر موجود است (امیرخانی، ۱۳۶۸: ۲۱).

- نام چند کتاب چاپ سنگی به خط عمادالکتاب سیفی: شاهنامه فردوسی معروف به چاپ امیر بهادری سال ۱۳۲۶ هـ ق، دیوان حکیم ناصر خسرو قبادیانی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، الف‌النهار به قلم کتابت جلی، کتاب مثنوی تحفه‌العراقین حکیم خاقانی (راهجیری، ۱۳۹۱: ۲۹).

کاتبان به دستگاه چاپ سپرده شد (قلیچ‌خانی، ۱۳۹۲: ۱۶۹).

معرفی نمونه کتابت نسخ خطی و چاپ سنگی

نسخه خطی و مصور هزارویک‌شب از ذخایر ارزشمند کتابخانه کاخ‌موزه گلستان به شماره ثبت ۱۳۳۶۷-۱۲۳۷۲ است. این کتاب در دوره قاجار بنا به قولی به دستور محمدشاه و آن‌گونه که در جای دیگر گفته شده به خواست ناصرالدین‌شاه در دوره ولایتعهدی او، توسط عبداللطیف طسوجی در سال ۱۲۵۹ هـ ق ترجمه شد و در سال ۱۲۶۱ در شهر تبریز به خط میرزا علی خوشنویس چاپ سنگی شد. به دستور ناصرالدین‌شاه، محمدحسین‌خان معیرالممالک عهده‌دار تهیه نسخه نفیسی از این کتاب شد و میرزا محمدحسین تهرانی در سال ۱۲۶۹ هـ ق کار کتابت آن را به خط خوش نستعلیق به اتمام رساند. رقم او «کمترین کاتب حضرت‌السلطانی محمدحسین الطهرانی تحریر نمود ۱۲۶۹» در کتاب ذکر شده است. گفته شده است کتابت آن ۵ سال به طول انجامید. متن نوشتاری نسخه در هر صفحه ۳۰ سطر و پشت و روی کاغذ بین سطرها طلا اندازی شده و میان جداول کمند زرین ۱۷*۲۷ سانتی‌متر تحریر شده است. عنوان هر شب در متن نوشتار به خط رقاع در سر سخن‌های مذهب و عنوان حکایات با مرکب الوان در گوشه چپ بالای حاشیه کتاب در حالات افقی و سطر بندی مورب بر کاغذ متن خانبالغ شکری و کاغذ حاشیه فرنگی نخودی نوشته شده است. میرزا ابوالحسن خان غفاری صنیع‌الملک، عبدالوهاب شیرازی و میرزا علی صحاف به اتفاق شاگردانشان در دارالصنایع ناصری کار مجلس‌آرایی و تذهیب و صحافی کتاب را انجام دادند (دشت گل، ۱۳۸۴: ۱۳۳).

- ابو احمد محمد شفیع وصال شیرازی ملقب به میرزا کوچک سال ۱۱۹۷ هـ ق در شیراز متولد شد. او از استادان مطرح خط نسخ و شاعر نیز بوده است، آثار زیادی از او در قالب مصحف و قطعه باقی‌مانده است. چند اثر به خط نسخ در گنجینه کتابخانه آستان قدس رضوی محفوظ است؛ از جمله قرآن شماره ۳۳۳۷ که در تاریخ ۱۲۴۵ هـ ق به خط نسخ کتابت نموده است. اسامی سور این قرآن به خط ثلث است و به شیوه شیراز تذهیب شده است و نسخه قرآنی دیگری به شماره ثبت ۱۲۳ موجود در گنجینه کتابخانه آستان قدس رضوی است که در پشت جلد

در موزه‌ها موجود است. از جمله مجموعه کتاب‌های ادعیه و قرآن که در آستان قدس رضوی و آستانه حضرت معصومه (س). و در موزه عتبات عراق، کاخ‌موزه گلستان و موزه ملی ملک، نسخه قرآن نیم‌ورقی با جلد روغنی در کتابخانه کاخ گلستان و نسخه دعای صباح به قطع نیم‌ربعی با جلد روغنی و تزیینات که به خط نسخ در تاریخ ۱۲۳۸ هـ ق کتابت شده در کاخ‌موزه گلستان موجود است. از ضیاء السلطنه دختر دیگر فتحعلی‌شاه نیز به‌عنوان خوشنویسی متبحر نام برده شده‌است. ناصرالدین‌شاه خوشنویس در رأس حامیان و مشوقان هنر بود. حمایت‌های وی در افزایش تعداد خوشنویسان و کیفیت آثار آنان مؤثر بوده‌است. عناوین کاتب‌السلطان، اشرف‌الکتاب، خوشنویس‌باشی، القابی بود که ناصرالدین‌شاه برای تشویق به استادان خوشنویس اعطا می‌نمود. نسخه‌های خطی گاه به سفارش ناصرالدین‌شاه کتابت می‌شد؛ از جمله هزارویک‌شب، دیوان عنصری موجود در موزه کاخ گلستان به خط نستعلیق عبدالغفار تبریزی، مثنوی معنوی به خط محمدحسین کاتب السلطان. برخی از آثار به سفارش درباریان برای هدیه به شاه انجام می‌شد؛ از جمله دیوان حافظ به دستور ظل‌السلطان به خط محمدنقیب شیرازی، مصحف به قلم نسخ مریم نایینی (پنج‌ج‌باشی، ۱۳۹۱: ۹).

اعتمادالسلطنه درباره خوشنویسی از تلطیف خط تحریر در آن دوره گفته است که بسیار خوش است و اسلوبی دلکش دارد و این امر توسط میرزا علی خان امین‌الدوله انجام شده و در کل کشور رواج یافته‌است. اعتمادالسلطنه گفته است شاه عناوینی به خوشنویسان دربار می‌داد، از جمله کاتب السلطان، اشرف الکتاب و خوشنویس‌باشی. او همچنین اسامی خوشنویسان شهیر آن دوره را در کتاب خود ذکر نموده‌است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴: ۱۶۷). هنر خوشنویسی در دوره قاجار به دلیل حمایت دربار بسیار پیشرفت نمود و خوشنویسان متبحری در خط به کمال رسیدند؛ اما نام سه خوشنویس، سرآمد سایر استادان است: - میرزا غلامرضا خوشنویس در خط نستعلیق استادی ماهر و خداوند قلمی قادر بوده و کتیبه مدرسه سپه‌سالار اعظم حاج میرزا حسین خان اوائلش به خط اوست. مهدی بیانی در کتاب خود احوال و آثار خوشنویسان، به چند مرقع به خط میرزا غلامرضا متعلق به شاگردش معتضالدوله مهران که احوال



تصویر ۵: روزنامه اردوی همایون، چاپ سنگی، مدیرمسئول محمدحسن خان صنیع‌الدوله اعتمادالسلطنه، قرن ۱۳ هجری قمری، (آرشیو در موزه ملی ملک).

هنرمندان خوشنویس

هنرمندان دوره قاجار را به دو دسته کلی می‌توان تقسیم کرد:

۱- هنرمندان درباری که به‌طور مستقیم برای دربار قاجار فعالیت می‌کردند.

۲- گروهی مستقل که در بازار هنری آزاد، فعال بودند (وفا مهر ۱۳۹۰: ۲۴۸).

گروهی به انجام سفارش‌های دربار می‌پرداختند که از مقام و وضعیت مادی خوبی برخوردار بودند و گروهی هم‌چون سایر پیشه‌وران در حجره‌های خود به انجام سفارش‌های معمول مشغول بودند.

بسیاری از کارشناسان، دوره قاجار را دوره شکوفایی خط نستعلیق می‌دانند. شاید بتوان گفت علاقه‌مندی سه تن از شاهان قاجار، فتحعلی‌شاه، محمدشاه و ناصرالدین‌شاه به خط آن‌قدر بوده‌است که خود این شاهان خوشنویس بوده و در نوجوانی از استادان متبحر زمان خود خط را تعلیم گرفته‌اند. این امر در خاندان آن‌ها به‌صورت سنت ادامه یافت، به‌طوری‌که ام‌سلمه یکی از دختران فتحعلی‌شاه قاجار نیز خوشنویسی را نزد استادانی چون زین‌الدین اصفهانی، حاج‌علی‌آقا فرزند میرزا محمدخان نظام‌الدوله تعلیم گرفته و آثار نفیسی به خط وی

حروف کشیده و کوچک کردن دواير شیوه میرعماد را تکامل بخشید، عماد الکتاب این شیوه را به دوره معاصر منتقل کرد، خط کلهر (تصویر ۷) با تغییراتی که در نستعلیق ایجاد نموده بود برای چاپ سنگی مناسب بود (صحرارگرد، ۱۳۸۶: ۷۵).



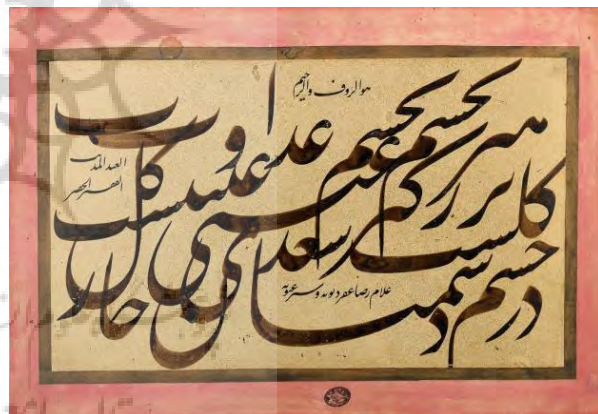
تصویر ۷: تقویم نجومی به سفارش ناصرالدین شاه به خط میرزا محمد رضا کلهر، (امیرخانی، ۱۳۸۱: ۸۶).

- سید علی اکبر گلستانه ملقب به سید گلستانه در سال ۱۲۴۷ هـ ق در اصفهان متولد شد، او آثار درویش عبدالمجید طالقانی که سرآمد شکسته نویسان دوره صفوی بود را مشق خود قرارداد، اما پس از مدتی به سبک ویژه خود دست یافت آثار او از جمله مرقعات زیبایی است که برای درباریان اجرا نموده است (تصویر ۸) (قلیچ خانی، ۱۳۹۲: ۱۶۸).



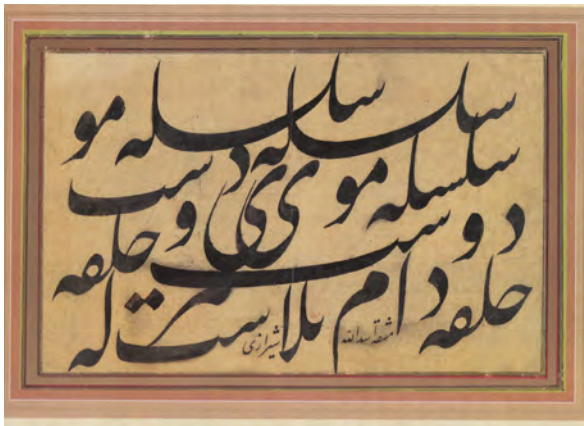
تصویر ۸: رقع خوشنویسی شامل ۱۱ قطعه نستعلیق و شکسته، قلم کتابت و مشقی، علی اکبر گلستانه، قرن ۱۲ قمری، (آرشیو موجود در موزه ملی ملک).

میرزا در آن نوشته شده است استناد نموده و گفته است میرزا غلامرضا به دلیل تبحر در خط نستعلیق مورد توجه و عنایت محمدشاه قاجار بوده است و به ناصرالدین شاه قبل از رسیدن به حکومت تعلیم خط می داده است، پس از مرگ محمدشاه کسانی از سر حسادت او را به بایبگری متهم می کنند و میرزا با شفاعت نزدیکان ناصرالدین شاه از مرگ نجات می یابد و در نامه‌ای از شاه درخواست کمک می کند. او خود گفته است در خط نستعلیق از قلم کتیبه تا کتابت خفی و غبار استادانه می نویسد. آثار وی با امضای غلامرضا، علی مدد است که در موزه‌های کشور موجود است؛ از جمله یک جلد تحفه الوزراء که در کتابخانه سلطنتی به قلم نیم دودانگ خوش موجود است. هم چنین قطعاتی از وی باقی مانده است. او در سیاه مشق نستعلیق استادی بی بدیل است و آثارش امروزه سرمشق بسیاری از استادان است (بیانی، ۱۳۶۳: ۵۵۴) کتیبه نویسی نستعلیق که در دوره صفوی آغاز شده بود در دوره قاجار به دست میرزا غلامرضا اصفهانی (تصویر ۶) به کمال رسید.



تصویر ۶: قطعه نستعلیق ممتاز قلم جلی، میرزا غلامرضا اصفهانی، قرن ۱۳ هجری قمری، (آرشیو در موزه ملی ملک).

- میرزا محمد رضا کلهر در خط نستعلیق بعد از میرعماد قزوینی بهتر از وی کسی نیست و استادان او را در عرض و هم تراز میرعماد دانسته اند. استادش میرزا محمد خوانساری بوده است و کلهر مردی درویش منش، خوشخوی، سبک روح و بذله گو بوده است و در حسن اخلاق اشتهار داشته او رتبه و مقامی در دربار نگرفته و از با اجرت کتابت زندگی را میرزا رضا کلهر در خط نستعلیق شیوه‌ای جدید ابداع نمود، به طوری که با کوتاه کردن



تصویر ۹: سیاه‌مشق نستعلیق، میرزا اسدالله شیرازی، قرن سیزدهم، برگرفته از کتاب قلم صنع، (فرزانه، ۱۳۹۱).

خوشنویسان نیز با حمایت فتحعلی‌شاه، محمدشاه و ناصرالدین‌شاه، علاوه بر کتابت قرآن‌ها و کتاب‌های ادبی و تاریخی، به اجرای قطعات خوشنویسی می‌پرداختند، می‌توان گفت در این دوره خط نستعلیق به کمال رسید و خط استادانی چون میرزا غلامرضا اصفهانی و میرزا رضا کلهر در خوشنویسان نسل‌های بعد بسیار تأثیر گذاشت، به‌ویژه سبک میرزا رضا کلهر که برای اجرای چاپ سنگی مناسب بود در آن دوره، مورد توجه قرار گرفت.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه از مطالب فوق به دست می‌آید درباره کتابت و خوشنویسی دوره قاجار به چند نکته اساسی می‌توان اشاره نمود:

- حمایت شاهان خوشنویس فتحعلی‌شاه، محمدشاه و ناصرالدین‌شاه از هنر، به‌ویژه خوشنویسی در دوره قاجار در شکوفایی آن تأثیر بسزایی داشته‌است.

- مطابق خواست فتحعلی‌شاه، هنرمندان خوشنویس دربار قاجار از شیوه نستعلیق میرعماد و خط شکسته درویش عبدالمجید طالقانی، نسخ ایرانی نیریزی که در دوره صفوی به کمال رسیده بودند، پیروی نموده و در دوره‌های بعد به سبک خاص خویش دست‌یافتند.

- به دلیل گسترش ارتباط با غرب در دوره قاجار، هنر انتزاعی ایران، به‌ویژه نقاشی، تحت تأثیر شیوه طبیعت‌گرایانه غرب قرار گرفت و شیوه التقاطی یا اصطلاحاً دورگه در

اعتمادالسلطنه هم‌چنین اسامی خوشنویسان دیگر را به شرح ذیل ذکر کرده است: میرزا محمود خطاط و شاعر شیراز از اولاد کوچک وصال، تخلص او در شعر حکیم بوده و در سال ۱۲۶۸ درگذشته‌است، میرزا محمدتقی خطاط مشهدهی در قلم نسخ در ایران مشهور بوده‌است. میرزا محمدعلی خطاط خوانساری استاد در خط نسخ میرزا محمدعلی اصفهانی خط نسخ را به مقام عالی رسانده و به شیوه کشمیر می‌نوشته و لقب سلطان‌الکتاب را از دربار گرفته است، آقا سید محمدباقر خطاط در نسخ و کتابت قرآن و مثنوی، میرزا اسدالله... خطاط شیرازی از مشاهیر خط نستعلیق (تصویر ۹)، میرزا غفارخان صدیق‌الملک خطاط نستعلیق و اکابر استادان، آقا سید حسین خطاط طهرانی اعجاز در نستعلیق معلم مظفرالدین میرزا در زمان ولیعهدی که در سال ۱۳۰۰ هـ. ق رحلت نمود، آقا زین‌العابدین خطاط اصفهانی از مفاخر قلم نسخ و ملقب به اشرف‌الکتاب، او شاگردان زیادی تعلیم داده‌است و ۱۰۰ سال زندگی کرده در سال ۱۲۹۶ هـ. ق درگذشته است، آقا غلامعلی خطاط اصفهانی استاد در خط نسخ میرزا محمدحسین کاتب‌السلطان از خوشنویسان تهران متبحر در خط نستعلیق، میرزا محمد خطاط و شاعر متخلص به گلشن از هنرمندان گلیایگان و استاد در خط نستعلیق و شکسته، میرزا آقاخان اجل خطاطین اصفهان، میرزا سنگلاخ از رجال مشهور دوره قاجار متبحر در خط نستعلیق و شعر، هم‌چنین او کتاب تذکره‌الخطاطین را نوشته و در تبریز چاپ نموده است، میرزا حسینقلی نستعلیق‌نویس خراسان، ملا کلبعلی افشار خوشنویس ساکن خرقان که خط نسخ را به شیوه‌ای نازک و نغز می‌نوشته‌است، میرزا آقا خطاط زنجانی‌الاصل در قلم نستعلیق و کتابه نگاری متبحر بوده‌است، میرزا حسین نایینی خطاط که در قلم شکسته به مقامی بلند رسیده‌بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴: ۲۷۷).

- پنجه‌باشی، الهه و دادور، ابوالقاسم. (۱۳۹۱). «مطالعه و بررسی نسخه‌های خطی قرآن به کتابت بانوان دوره قاجار». **مجله نگره**، شماره ۲۴، صص ۵-۱۴.
- پولاک، یاکوب ادوارد. (۱۳۶۱). **ایران و ایرانیان**. (کیکاوس جهانداری، مترجم). تهران: خوارزمی.
- **دایره‌المعارف بزرگ اسلامی**. (۱۳۹۳). جلد ۲۲، (خانواده - خندق). تهران.
- دروویل، گاسپار. (۱۳۷۰). **سفر در ایران**. (منوچهر اعتماد مقدم، مترجم). تهران: شباویز.
- دشت گل، هلناشین. (۱۳۸۴). «نسخه خطی و مصور هزارویک‌شب بازمانده دربار عهد ناصری». **کتاب ماه هنر**، شماره ۷۹ و ۸۰، صص ۱۳۲-۱۴۰.
- راهجیری، علی. (۱۳۹۱). **عمادالکتاب سیفی**، تهران: پیکره.
- رضوی‌فره، محسن و پورمند، حسن‌علی. (۱۳۹۴). «درآمدی بر کتاب سبک‌شناسی خوشنویسی قاجار». **کتاب هنر**، شماره ۷، صص ۱۰۷ تا ۱۱۶.
- **شاهکارهای هنری در آستان قدس رضوی منتخب قرآن‌های نفیس از سده دهم تا چهاردهم هجری قمری**. (۱۳۹۳). مشهد: مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی.
- شریفی‌زیندشتی، بهروز. (۱۳۹۰). «نظری اجمالی بر مکاتب رایج در خوشنویسی نستعلیق». **کتاب ماه هنر**، شماره ۱۵۲، ۱۰۲-۱۰۹.
- صحراگرد، مهدی. (۱۳۸۶). «ناصرالدین‌شاه و خوشنویسی». **مجله گلستان هنر**، شماره ۸، صص ۷۵-۸۶.
- قلیچ‌خانی، حمیدرضا. (۱۳۹۲). **درآمدی بر خوشنویسی ایران**. تهران: فرهنگ معاصر.
- _____ (۱۳۹۴). **محمدحسین شیرازی**. تهران: پیکره.
- _____ (۱۳۹۳). **اسدالله شیرازی**. تهران: پیکره.
- کارری، جملی. (۱۳۴۸). **سفرنامه کارری**. (عباس نخجوانی، مترجم). تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
- کازاما، آکی یو. (۱۳۸۰). **سفرنامه کازاما**. (هاشم رجب‌زاده، مترجم). تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کرمانی‌نژاد، فرزانه. (۱۳۹۱). **هنر خوشنویسی ایران**. تهران: کتاب آبان.
- لطفی‌خزائی، رضوان. (۱۳۹۲). «جایگاه خط نستعلیق در عصر قاجار». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشکده الهیات دانشگاه الزهراء.

نقاشی ایرانی مرسوم شد که امروزه از آن با عنوان نقاشی سبک قاجار یاد می‌شود، گرچه خوشنویسی به دلیل عدم تشابه خارجی، تأثیر مستقیم از گسترش ارتباط ایران با غرب نداشت اما ظهور چاپ در ایران که ارمغانی از غرب بود مسیر خوشنویسی در ایران را تغییر داد. از طرفی سفارش کتابت نسخ خطی که از مهم‌ترین وظایف خوشنویسان بود رفته‌رفته کم شد و با متداول شدن چاپ سنگی، سبک خوشنویسی به‌ویژه نستعلیق برای تناسب با محدودیت‌های چاپ تغییر نمود.

- با کم شدن سفارش کتابت نسخ خطی، اجرای خوشنویسی در قالب قطعه و مرقات رواج بیشتری یافت و ترکیب‌های سیاه‌مشق نستعلیق نسبت به دوره‌های گذشته به شکوفایی بیشتری رسید.

- به دلیل توجه خاص حامیان درباری از خط نستعلیق و شکسته به‌عنوان خط ایرانی و نسخ به شیوه ایرانی نیریزی، اقلام دیگر خط از جمله رقع، توقیع، کوفی، محقق و ریحان در این دوره کاربرد چندانی نداشت و به همین دلیل خوشنویسان در این اقلام تبحر هنرمندان دوره‌های قبل را نداشتند.

فهرست منابع

- فرید، امیر. (۱۳۹۴). «شمه‌ای از خوشنویسی دوره قاجار؛ معرفی و نقد کتاب سبک‌شناسی خوشنویسی قاجار». **کتاب هنر**، شماره ۷، صص ۱۰۶-۹۳.
- آغداشلو، آیدین و هاشمی‌نژاد، علیرضا. (۱۳۸۴). **آسمانی و زمینی گفتگوی‌ای درباره خوشنویسی ایرانی از گذشته تا امروز**. تهران: فرزانه روز.
- آلمانی، هانری رنه د. (۱۳۳۵). **سفرنامه از خراسان تا بختیاری**. تهران: امیرکبیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان. (۱۳۷۴). **چهل سال تاریخ ایران**. ج ۱. (ایرج افشار، مصحح). تهران: اساطیر.
- امیرخانی، غلامحسین. (۱۳۶۸). **یادنامه کلهر**. تهران: انجمن خوشنویسان ایران.
- بیانی، مهدی. (۱۳۶۳). **احوال و آثار خوشنویسان**. ج ۲. تهران: انتشارات علمی.

- محبوبی اردکانی. (۱۳۷۴). حسین. چهل سال تاریخ ایران. ج ۱. تهران: اساطیر.
- میرزا خانلر خان. (۱۳۵۱). سفرنامه خانلر خان اعتصام‌الملک. تهران: ناشر منوچهر محمدی.
- وفا مهر، مهدی. (۱۳۹۰). زندگی و آثار هنری حاج میرزا آقا امامی. اصفهان: طراحان آزاد.
- هاشمی نژاد، علیرضا. (۱۳۹۳). سبک‌شناسی خوشنویسی قاجار. تهران: متن.
- هاشمی‌دهکردی، حسن. (۱۳۶۳). «چاپ سنگی حیات تازه‌ای در کتابت». فصلنامه هنر، شماره ۷ زمستان ۶۳، صص ۹۰-۱۰۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Investigating on the Factors Affecting the Nasta'liq Script's Change in Qajar Time Calligraphy*

Mandana Yamani¹, Seyyed Mahyar Shariatpanahi²

1- M.A, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Mashhad Branch, Islamic Azad University

2- Assistant Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Mashhad Branch, Islamic Azad University, (Corresponding Author)

Abstract

From an early age of Qajar dynasty, Nasta'liq 's script was revived by returning artists to the past traditions of calligraphy. In particular, the Mir Emad Hassani style was considered by calligraphist in the Qajar era. Hence, the Nasta'liq quality promoted to the Safavid level. Fath-Ali Shah Qajar who was Calligraphist announced the Nasta'liq as the national script of Iran. Following him, Mohammad Shah and Naser Al-Din Shah continued the tradition of supporting calligraphy. Generally, the Nasta'liq script which had evolved during the Safavid period became diverse in the Qajar time. The calligraphists accomplished their own style and form by returning to their past traditions. They designed an innovative style in form of the composition, templates and line structure. In this article, the research method is descriptive-analytical, which has carried out using library resources and manuscripts images in the National Museum of Malek. In this research, firstly, the main script of the Qajar period has been introduced. In the next step, the changing factors are examined. The research finding illustrates that the significant, changing elements of the Nasta'liq script's style comprise: Special court support, Entrance of lithography to Iran and the line fitting necessity with print conditions, decreasing the order of writing texts. Therefore, calligraphers utilized new templates which became suitable with new changes.

Key words: Style, Calligraphy, Nasta'liq, Qajar.

1. Email: Mandana.yamini@yahoo.com

2. Email: Mahyar.shariatpanahi@gmail.com